

تحلیل چرایی تمایز گفتمان انقلاب اسلامی با سایر گفتمان‌های اسلام‌گرا در منطقه غرب آسیا

تاریخ دریافت مقاله: ۹۵/۱/۲۱

تاریخ تأیید مقاله: ۹۵/۴/۵

اسماعیل اقبال *

چکیده

خاورمیانه یکی از پرالتهاب‌ترین عرصه‌های منازعات سیاسی و فرهنگی در جهان است. منازعات در خاورمیانه می‌تواند دلایل گوناگونی داشته باشد. نگارنده یکی از علت‌های عمده این منازعات را تعارض میان رویکردهای سه گفتمان اصلی خاورمیانه به تحولات این منطقه می‌داند. گفتمان اسلام انقلابی، گفتمان اسلام سکولار و گفتمان اسلام سلفی که توسط سه بازیگر مهم منطقه حمایت می‌شود، هر یک واجد ویژگی‌ها و خصوصیات خاصی‌اند که وجه اشتراک میان آنها را به حداقل رسانده است. به منظور ریشه‌یابی منازعات در خاورمیانه لازم است ویژگی‌های هر یک از این گفتمان‌ها بازشناسی شده، سپس تفاوت میان آنها از لحاظ سیاسی و فرهنگی بررسی و تبیین شود. با وجود اینکه دال مرکزی تمامی این گفتمان‌ها اسلام است، اما مفاهیم اصلی این گفتمان‌ها عمدتاً متفاوت از یکدیگر است. ریشه‌یابی اختلافات در میان کشورهای خاورمیانه و نگاه خصمانه آنها به یکدیگر، بدون شناخت مفاهیم سازنده این گفتمان‌ها امکان‌پذیر نیست. بنابر این، مقاله حاضر با هدف شناخت و تبیین ویژگی‌ها و خصوصیات سه گفتمان اصلی و تأثیرگذار در خاورمیانه به صورت‌بندی این گفتمان‌ها پرداخته است.

واژگان کلیدی: گفتمان، اسلام‌گرایی، اسلام انقلابی، اسلام سیاسی سکولار، اسلام سیاسی سلفی.

الف) مقدمه

تحولات خاورمیانه در سه دهه اخیر، موجب ظهور سه گفتمان اسلام‌گرا که هر یک ویژگی‌های خاص خود را دارند، شده است. هر چند این سه گفتمان مطرح در خاورمیانه، در چند دهه گذشته با مفاهیم خاص خود در عرصه اجتماعی و سیاسی حضور داشته‌اند، اما هیچ یک رقیب یکدیگر نبوده، بلکه در برخی از شرایط خاورمیانه، این گفتمان‌ها به منظور مخالفت با تسلط فرهنگ و ارزش‌های گفتمان غربگرا، با یکدیگر همکاری کرده‌اند. شرایط و تحولات به وجود آمده در دهه اخیر موجب شده است تا این گفتمان‌ها بر خلاف گذشته، به رویارویی و منازعه با یکدیگر برای مسلط شدن در این منطقه بپردازند. رویارویی و منازعه میان گفتمان انقلاب اسلامی با سایر گفتمان‌ها، متأثر از نگاه ارزشی و فرهنگی هر یک از این گفتمان‌ها به تحولات جامعه است.

در منطقه خاورمیانه سه گفتمان اسلام‌گرا وجود دارد که هر یک متعلق به یکی از بازیگران در این منطقه است. هر یک از این بازیگران تلاش می‌کنند با استفاده از مؤلفه‌های قدرت خود، بر تحولات خاورمیانه تأثیر گذاشته، به گفتمان مسلط در منطقه تبدیل شوند. گفتمان اسلام انقلابی متعلق به جمهوری اسلامی ایران، گفتمان اسلام سلفی متعلق به عربستان سعودی و گفتمان اسلام سکولار متعلق به جمهوری لائیک ترکیه، سه گفتمان اصلی و تأثیرگذار در خاورمیانه‌اند. هر یک از این گفتمان‌ها، برای تثبیت سلطه خود در رقابت با گفتمان دیگر قرار دارند. این امر بیانگر آن است که سه گفتمان مزبور با وجود داشتن ریشه اسلامی، هر یک قرائت خاص خود از اسلام را دارند؛ این امر سبب شده است تا هر یک از این گفتمان‌ها با بهره‌گیری از ابزارهای نرم و با برجسته کردن مدلول‌های خود، مفاهیم ارزشی و فرهنگی خاص خود را با فضای کنونی خاورمیانه وفق دهند و در مقابل گفتمان رقیب به هژمونی دست یابند.

ب) بیان مسئله

منطقه خاورمیانه در دهه اخیر شاهد ظهور سه گفتمان به ظاهر مشترک از لحاظ ارزشی و فرهنگی (به دلیل دال مرکزی خود)، اما با رویکردهای کاملاً متفاوت از لحاظ مفاهیم اصلی بوده است. برخی گفتمان انقلاب اسلامی ایران و سایر گفتمان‌های اسلام‌گرا در خاورمیانه را با این استدلال که همه اسلام‌گرایند، از لحاظ ارزشی و فرهنگی یکسان تلقی می‌کنند؛ اما رفتار عملی بازیگران هر یک از این گفتمان‌ها بیانگر تلقی خاصی از اسلام‌گرایی در خاورمیانه است که منشأ بروز سؤالات زیادی در خصوص ماهیت ارزشی و فرهنگی هر یک از این گفتمان‌ها شده است.

با توجه با اینکه گفتمان‌های اسلام‌گرا در خاورمیانه تلاش می‌کنند از طریق قدرت نرم به عنوان یک الگو برای سایر کشورهای منطقه مطرح شوند و از سوی، کشورهای منطقه از لحاظ اجتماعی و فرهنگی واجد رویکردهای متفاوتی نسبت به مسائل ارزشی و مذهبی‌اند و پیشینه شکل‌گیری اندیشه‌های هر یک از این گفتمان‌ها آکنده از دیدگاه‌ها و باورهای متفاوت و گاه متضاد است؛

بنابر این، مسئله‌ی اساسی در این پژوهش، شناخت دقیق هر یک از این گفتمان‌ها از طریق بررسی سازندگان اصلی و بیان مفاهیم ارزشی آنها در منطقه‌ی خاورمیانه است. محقق در این مقاله در صدد است به این سؤالات پاسخ دهد که:

- گفتمان‌های اسلام‌گرا در منطقه‌ی خاورمیانه واجد چه ویژگی‌ها و خصوصیت‌هایی اند؟

- تعارض میان رویکردهای فرهنگی و سیاسی میان گفتمان اسلام انقلابی با گفتمان‌های سلفی

و سکولار چیست؟

هدف تحقیق: هدف تحقیق، شناخت دقیق ویژگی‌ها و خصوصیات گفتمان‌های اسلام‌گرا در خاورمیانه به منظور تبیین تعارضات ارزشی و فرهنگی میان گفتمان انقلابی با گفتمان‌های سکولار و سلفی است.

سؤال تحقیق: گفتمان انقلابی در ایران و گفتمان‌های اسلام سکولار و سلفی در منطقه، واجد

چه ویژگی‌ها و خصوصیت‌هایی اند و تفاوت این گفتمان‌ها از لحاظ ارزشی و فرهنگی در چیست؟

ج) روش تحقیق

در مسیر پاسخگویی به سؤال تحقیق، از روش تحلیل محتوای کیفی و گاه با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی برای بررسی موضوع استفاده شده است. شیوه‌گردآوری داده‌ها نیز کتابخانه‌ای-اسنادی بوده است.

ساماندهی تحقیق: ساماندهی تحقیق بدین شکل خواهد بود که در بخش اول به منظور شناخت گفتمان‌های اسلام‌گرا در خاورمیانه با تحلیل محتوای مواضع سازندگان این گفتمان‌ها، به صورت‌بندی مفاهیم اصلی و کلیدی آنها پرداخته و در بخش دوم، نقاط تعارض میان گفتمان اسلام انقلابی با گفتمان‌های سکولار و سلفی با هدف تبیین تفاوت‌های ارزشی و فرهنگی میان آنها را بررسی کرده‌ایم.

بررسی مفهومی گفتمان

هر گفتمانی ضرورتاً نیاز به گفتمان رقیبی دارد که به واسطه‌ی آن هویت یابد. هیچ جامعه‌ی بشری و جهان یک‌دستی را نمی‌توان تصور کرد که در آن فقط یک گفتمان یا به عبارتی؛ تنها یک نوع جهان‌بینی یا طرز تفکر در آن حاکم باشد، بلکه هر گفتمان به منظور هویت یافتن خود به ناچار شروع به ایجاد فاصله میان خود و غیر می‌کند. هر گفتمانی در پی آن است تا همه‌ی فضاها را اشغال کند و نمی‌خواهد هیچ فضایی در این سرزمین معرفتی خالی بماند. بدین ترتیب، گفتمان عبارت است از: یک نظام بیانی با گروه خاصی از گزاره‌ها که دارای خصلت زمانمند و تاریخمند باشند. به بیان دیگر؛ هر چیز و فعالیتی برای معنادار شدن باید بخشی از گفتمان باشد.

هر گفتمانی یک دال و یک مدلول دارد؛ دال آن به تعبیر زبان‌شناسی، آواست و آن چیزی که از



تصویر در ذهن نقش می‌بندد، مدلول است. به عنوان مثال، دموکراسی آواست؛ تا زمانی که آواست، همه دارند؛ مشکل زمانی شروع می‌شود که مدلول‌ها ارائه می‌شود؛ یعنی زمانی که این آوا در ذهن فردی که آن را به کار می‌گیرد با تصویر ذهنی شما همخوانی داشته باشد. یا در ارتباط با گفت‌وگوهای موجود در خاورمیانه باید گفت: تمامی این گفت‌وگوها بر محوریت اسلام تأکید می‌کنند؛ بنابر این، دال مرکزی آنها خود اسلام یا تعبیری است که نقش کلیدی اسلام را بیان می‌کند؛ اما مدلول آن، تصاویر ذهنی متفاوتی است که در مناطق مختلف به اشکال گوناگون بیان می‌شود.

گفت‌وگوها، پروردهٔ شرایط، نیازها، ضرورت‌ها و موقعیت‌های زمانی و مکانی‌اند و در این اوضاع باید بتوانند خود را با شرایط تطبیق دهند؛ در غیر این صورت به تاریخ می‌پیوندند. یک گفت‌وگو اگر بتواند خود را با روح زمانه هماهنگ کند و هم‌مونیک شود، در تاریخ باقی می‌ماند. گفت‌وگو باید بتواند خود را باز تولید و با توجه به همهٔ شرایط، حفظ کند. معناسازی توسط گفت‌وگو است که کنش جمعی را به ارمان می‌آورد و متقابلاً تحت تأثیر این کنش‌ها، بازتعریف می‌شود.

همواره یک گفت‌وگو مسلط وجود دارد و تا وقتی مسلط است، گزاره‌های آن نیز جدی است. اما زمانی که سلطه‌اش را از دست داد و نتوانست خود را باز تولید کند، طبیعی است که قرائت دیگر حاکم می‌شود. در یک جامعه همواره یک گفت‌وگو مسلط وجود دارد که جامعه را از سرگشتگی نجات می‌دهد؛ اغلب مردم در فضای گفت‌وگویی مسلط قرار می‌گیرند. برخی به این نکته اذعان می‌کنند که موفقیت و شکست یک گفت‌وگو در میزان استقبالی است که در بستر جامعه از آن به عمل می‌آید؛ بنابر این، یک گفت‌وگو زمانی می‌تواند به موفقیت برتر در جامعه دست یابد که بتواند حامیان و پیروان بیشتری نسبت به سایر گفت‌وگوها داشته باشد. اگر یک گفت‌وگو بتواند بر دیگر گفت‌وگوها چیره شود و ذهن و اندیشهٔ عامل‌های اجتماعی را در اختیار بگیرد و از این راه، هویت و رفتار و فعالیت‌های اجتماعی آنان را تحت تأثیر قرار دهد، به گفت‌وگو هم‌مونیک در جامعه تبدیل شده است. (حسینی‌زاده، ۱۳۸۶: ۲۲)

د) صورت‌بندی گفت‌وگوهای اسلام‌گرا در خاورمیانه

گفت‌وگو اسلامی انقلابی، گفت‌وگو اسلامی سلفی و گفت‌وگو اسلامی سیاسی سکولار، سه گفت‌وگو اصلی در خاورمیانه‌اند که توسط سه بازیگر مؤثر جمهوری اسلامی ایران، عربستان سعودی و ترکیه در تلاش برای مسلط شدن در منطقهٔ خاورمیانه هدایت و مدیریت می‌شوند. در اینجا نخست به صورت‌بندی هر یک از این سه گفت‌وگو از طریق بررسی سازندگان، دال و مدلول و مفاهیم اصلی آن خواهیم پرداخت؛ سپس با تبیین وجه تشابه و تفاوت هر یک از آنها، میزان تأثیرگذاری آن را بر تحولات خاورمیانه بررسی خواهیم کرد.

۱. گفت‌وگو اسلامی انقلابی یا اسلام سیاسی - فقه‌تبی (جمهوری اسلامی ایران)

یک) سازندگان گفت‌وگو اسلامی سیاسی - فقه‌تبی

طبیعی است که گفت‌وگو اسلامی‌گرایی در جمهوری اسلامی ایران، برگرفته از فقه شیعه است؛



سازندگان و شارحان آن، فقیهانی‌اند که با استفاده از تعالیم اسلام و با تکیه بر مبانی فقهی، گفتمان جدیدی از اسلام‌گرایی یا اسلام سیاسی در ایران را پس از پیروزی انقلاب اسلامی ارائه کردند. تبیین یک گفتمان از طریق مطالعه آثار سازندگان و شارحان اصلی آن و تحلیل کیفی محتوای آن صورت می‌گیرد. در گفتمان اسلام سیاسی-فقهی، علم فقه به دلیل نقشی که در شناخت قانون‌های دینی دارد، همچنین فقها به عنوان کارشناسان معتبر دینی از جای گاهی بلند برخوردار می‌شوند. روحانیان در این گفتمان، تنها مفسران شریعت به شمار می‌آیند و اسلام منهای روحانیت، اسلامی بی‌محتوا، انحرافی و خیانت‌تلقی می‌شود. اسلام سیاسی-فقهی با تأکید بر ولایت فقیه و بازسازی جامعه بر اساس فقه و احکام اسلامی، سازماندهی جامعه ایرانی را از ابتدای دهه ۶۰ تاکنون در اختیار گرفته است.

در اینجا به منظور شناخت مختصر از گفتمان اسلام انقلابی یا اسلام فقهی در ایران، تلاش خواهد شد تا با مطالعه آثار مکتوب و غیر مکتوب برخی سازندگان آن، به ویژه امام خمینی (ره)، صورت‌بندی دقیقی از این گفتمان ارائه شود. به باور بسیاری از صاحب‌نظران، گفتمان اسلام‌گرایی در ایران، در دوره معاصر با نام امام خمینی و دیدگاه‌ها و مواضع سیاسی او پیوند خورده است؛ به تعبیر بابی سعید: «اگر چه نمی‌توان اسلام‌گرایی را به خمینی‌گرایی تقلیل داد، اما [امام] خمینی نقطه عطف و اوج این جریان است. ایشان درون ادبیات اسلام‌گرایی، جایگاه نماینده تقریباً الگویی اسلام‌گرایی را دارد» (سعید، ۱۳۷۹: ۱۰۴).

دو) دال و مدلول گفتمان اسلام سیاسی - فقهی

با بررسی آثار و بیانات امام خمینی می‌توان گفت: دال مرکزی گفتمان اسلام‌گرایی در جمهوری اسلامی ایران، «اسلام ناب محمدی (ص)» است. امام خمینی در سخنان، مواضع، اظهارات و بیانیه‌های خود بارها به این دال اشاره کرده‌اند. به عنوان نمونه می‌فرمایند: «به تنها چیزی که باید فکر کنید، به استواری پایه‌های اسلام ناب محمدی (ص) است؛ اسلامی که غرب و در رأس آن آمریکای جهانخوار و شرق و در رأس آن شوروی جنایتکار را به خاک مذلت نشاند» (امام خمینی، ۱۳۷۱: ۲۴۰).

بررسی آثار و مکتوبات امام خمینی به روشنی نشان می‌دهد که گفتمان اسلام‌گرایی در ایران، مبتنی بر اسلام ناب محمدی به عنوان دال مرکزی آن در فرایند غیریت‌سازی به نفع اسلام آمریکایی، اسلام متحجرین، اسلام چپ، اسلام سیاسی لیبرال، اسلام ملی‌گرای سکولار و اسلام سیاسی چپ و همچنین نفی گفتمان مدرنیته غرب، البته با پذیرش برخی از عناصر آن پرداخته است. امام خمینی به عنوان سازنده اصلی این گفتمان، اسلامیت را به عنوان رکن اصلی نظام جمهوری اسلامی معرفی می‌کرد؛ بدین معنا که اسلام، محتوا و ماهیت اصلی این نظام را تشکیل می‌دهد. (همان: ۱۵۷)

سه) مفاهیم اصلی گفتمان اسلام سیاسی - فقهی

با توجه به دال مرکزی گفتمان اسلام‌گرایی در جمهوری اسلامی ایران، باید مدلول آن را در



مفاهیمی چون: حاکمیت الهی، سیاست اسلامی، فقه شیعه، عدالت، مردم و انسان کامل تعریف کرد. این مفاهیم، تصویر ذهنی متفاوتی از اسلام‌گرایی است که ویژگی‌های گفتمان ج.ا. ایران را مشخص می‌سازد؛ در ادامه، به تبیین این مفاهیم به عنوان مدلول گفتمان اسلام سیاسی فقهاتی ج.ا. ایران، می‌پردازیم.

- حاکمیت الهی

بر اساس این مدلول، تنها خداوند است که حق حاکمیت بر جهان هستی را دارد و اگر حکومتی توسط بشر شکل گیرد، باید در طول حاکمیت الهی باشد و مشروعیت خود را از جانب خدای یکتا کسب کند. بر اساس این مفهوم، قانونگذار اصلی که منحصرأ حق قانونگذاری دارد، خداوند است و اوست که تنها منشأ قدرت حاکمیت مشروع است. با توجه به دال گفتمان جمهوری اسلامی ایران، حاکمیت الهی از طریق شکل‌گیری حکومت اسلامی و نه غیر اسلامی، برای تحقق آموزه‌های اسلام و هدایت جامعه اسلامی تجلی بشری می‌یابد. بنابر این، از نگاه بسیاری از پژوهشگران، مهم‌ترین شاخص اسلام‌گرایی فقهاتی، تمسک به آموزه‌های اسلامی در زندگی فردی-اجتماعی است. (بهروز لک، ۱۳۸۶: ۱۵۶)

با توجه به اینکه در گفتمان اسلام‌گرایی در جمهوری اسلامی ایران، حاکمیت الهی از طریق شکل‌گیری حکومت اسلامی تحقق می‌یابد، بنابر این مفهوم ولایت فقیه نیز در همین راستا مطرح می‌شود. در واقع؛ بر اساس این گفتمان، حاکم و رهبر حکومت اسلامی فقهایند که حاکمیت آنها در طول حاکمیت الهی است. بدین ترتیب، در گفتمان اسلام فقهاتی، نظام ولایت فقیه حاکمیت الهی را در زمان غیبت معصوم (ع) محقق می‌کند. ولایت فقیه در نظریه امام خمینی، تضمین‌کننده اسلامی بودن نظام جمهوری اسلامی و تقوای فقیه، مانع استبداد و دیکتاتوری در نظام اسلامی است. (حسینی‌زاده، ۱۳۸۶: ۲۳۱)

- آمیختگی دین و سیاست

پیوند بین دین و سیاست یکی از مفاهیم کلیدی در گفتمان اسلام فقهاتی محسوب می‌شود. طرح انگاره «سیاست ما عین دیانت ماست» بر عدم قابلیت تفکیک این دو مقوله تأکید می‌کند. امام خمینی سنگ بنای اساسی گفتمان اسلام‌گرایی در جمهوری اسلامی ایران را رابطه دین و سیاست می‌دانند. از منظر ایشان، این دو مقوله با یکدیگر کاملاً در ارتباط‌اند. امام خمینی به اشاره به اینکه «والله اسلام تمامش سیاست است»، بر پیوند مفهومی دین و سیاست تأکید کرده‌اند. بنابر این، در نظر امام، دو تصویر متفاوت از دین و سیاست وجود ندارد، بلکه دین، پایه قرار گرفته است و سیاست در متن آن قرار دارد. (امام خمینی، ۱۳۷۱، ج ۱: ۲۷۰)

بر اساس این گفتمان، نه تنها اسلام دینی سیاسی است و برای حکومت، قانون و برنامه دارد؛ بلکه مبارزه و تلاش برای حکومت اسلامی واجب است و وظیفه دینی مسلمانان به شمار می‌رود. در این گفتمان، تفکیک حوزه دین و سیاست از یکدیگر، تلاش برای توقف مبارزه سیاسی

مسلمانان علیه استبداد تلقی شده است. امام خمینی در این خصوص تأکید می‌کند: جدایی دین از سیاست، توطئه استعمار برای غارت مسلمانان و جلوگیری از مقاومت علما و روحانیون بوده است. (حسینی‌زاده، ۱۳۸۶: ۲۲۷)

– نفی سکولاریسم

در گفتمان اسلام فقهاتی بر نفی سکولاریسم به عنوان گفتمانی که از غرب ریشه گرفته و به نقاط مختلف جهان اسلام گسترش یافته، تأکید شده است. در این گفتمان، گزاره‌هایی چون: جدایی دین از سیاست، عدم دخالت دین در حوزه اجتماع، فردی شدن دین و انتقال دین به حوزه خصوصی افراد نفی شده است. از دیدگاه امام خمینی، سیاست و معنویت با هم در آمیخته است. ایشان گفتمان سکولاریسم مبنی بر اینکه امور دنیا را باید به اهل دنیا داد و امور معنوی را به اهل آخرت، مردود دانسته و در تمام دوران مبارزه، رفتار خود را بر معنویت و یاد خدا بنا کرده بودند. حضرت امام در نفی سکولاریسم می‌فرماید: «این را که دیانت باید از سیاست جدا باشد، علمای اسلام در امور اجتماعی و سیاسی دخالت نکنند، استعمارگران گفته و شایع کرده‌اند» (امام خمینی، ۱۳۷۳: ۱۷)

– نفی تحجّر و جمود

از نگاه گفتمان اسلام‌گرایی، همان‌قدر که نسبت به سکولاریسم نگاه منفی وجود دارد، نسبت به تحجّر و جمود هم چنین نگاهی وجود دارد. امام خمینی بر این باور بود که اگر سکولاریسم، معنویت و یاد خدا را از جامعه می‌زداید، تحجّر و جمود در دین هم جلوی پیشرفت و عقلانیت را در جامعه اسلامی می‌گیرد. از منظر گفتمان اسلام فقهاتی، اسلام متحجّرین غیر سیاسی، بدون اجتهاد پویا، غیر قابل انطباق با مقتضیات زمان، ناسازگار با دستاوردهای بشری و دارای عقلانیت محدود است. امام خمینی در این خصوص می‌فرماید: «شما باید نشان دهید که چگونه مردم علیه ظلم و بیداد قیام کردند و تفکر اسلام ناب محمدی را جایگزین فکر اسلام سلطنتی، اسلام سرمایه‌داری، اسلام التقاطی و در یک کلام، اسلام آمریکایی کردند» (امام خمینی، ۱۳۷۱، ج ۲۱: ۲۴۰)

– نفی شرق و غرب

یکی دیگر از ویژگی‌های گفتمان اسلام انقلابی، نفی وابستگی و عدم ظلم‌پذیری از غرب و شرق است. امام خمینی در بخش عمده اظهارات و مواضع خود، بر استقلال از شرق و غرب تأکید داشته است: «ما، دولت ما، آزاد و مستقل خواهد بود، ما نه به سوی غرب و نه به سوی شرق گرایش نخواهیم یافت و می‌خواهیم یک جمهوری بی‌طرف و غیر متعهد باشیم» (همان، ج ۵: ۴۸۸)

حضرت امام در مواضع خود همواره بر اصل نه شرقی و نه غربی تأکید داشته و تمامی گفتمان‌های وابسته به غرب و شرق در داخل را نیز نفی کرده، صرفاً بر گفتمان اسلام‌گرایی که برخاسته از فقه شیعه است، تأکید داشتند: «از همان بدو انقلاب و از قبل و از بدو انقلاب که شالوده انقلاب ریخته شد، مسیر، مسیر انبیا بود، مسیر مستقیم، نه شرقی نه غربی بوده و جمهوری اسلامی بوده و تاکنون هم ملت ما به همان مسیر باقی است» (همان، ج ۱۵: ۱۴۵)

- مردم‌سالاری دینی

نقش مردم در عرصه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. اهمیت مردم برای نظام و حکومت اسلامی تا جایی است که حکومت مطلوب در گفتمان اسلام سیاسی- فقهاتی را با عنوان نظام مردم‌سالاری دینی تعبیر می‌کنند. در واقع؛ صفت دینی، مشروعیت نظام است و مردم‌سالاری، مقبولیت این نظام را تشکیل می‌دهد. امام خمینی معتقد بودند که مشروعیت رهبر اسلامی از نصب عام الهی ناشی می‌شود؛ یعنی ولی فقیه به دلیل فقیه بودنش دارای توانایی ولایت است. اما تحقق حاکمیت الهی جز از راه تحقق حکومت مردمی؛ یعنی حکومتی که به وسیله رأی مردم تشکیل شده است، ممکن نیست؛ چون مشروعیت الهی بدون مقبولیت نزد مردم عملاً تحقق نمی‌یابد: «ما خواهان یک جمهوری اسلامی هستیم و آن حکومتی است متکی به آرای عمومی، شکل نهایی حکومت با توجه به شرایط و مقتضیات کنونی جامعه توسط خود مردم تعیین خواهد شد».(همان، ج ۲: ۲۶۰)

در گفتمان اسلام سیاسی- فقهاتی، میان مردم و حکومت اسلامی، حقوق و وظایف متقابل وجود دارد که تمامی مسئولان باید به آن توجه کنند. حق تعیین سرنوشت یکی از این حقوق است که امام خمینی بر آن تأکید می‌کنند: «عقل این است، حقوق بشر این است که سرنوشت هر آدمی به دست خودش باشد، ما چه حقی داریم سرنوشت دیگران را تعیین کنیم. آنها دیگرانند»(همان: ۴). بنابر این، از دیدگاه امام خمینی، نظام جمهوری اسلامی از این حیث که متکی به آرا عمومی ملت است، تنها نظام مشروع شیعه در دوره غیبت است.(فیرحی، ۱۳۸۹: ۲۵۰)



نمودار ۱: صورت‌بندی گفتمان اسلام سیاسی فقهاتی



۲. گفتمان اسلام سیاسی - سلفی (عربستان سعودی)

سلفیه که از قرن چهارم هجری به بعد پیدا شد، مدعی پیراستن دین از بدعت‌ها بود و بر قرآن و سنت و سیره سلف صالح استناد می‌کردند. سازندگان این گفتمان برای دریافت عقاید و احکام دینی، جز نص صریح قرآن و حدیث و سنت و سیره‌ای که در مسیر قرآن و سنت باشد، چیز دیگری را قبول نداشتند (فقیهی، ۱۳۵۲: ۲۶۲)؛ چون سازندگان گفتمان اسلام سلفی معتقدند: اگر مسلمانان می‌خواهند سیادت گذشته را باز یابند و در دنیا و آخرت به سعادت برسند، باید سه اصل را راهنمای خود سازند: قرآن، سنت و شیوه سلف صالح. سلفی‌ها معتقدند که برای فهم کتاب، سنت و اجرای آن، باید از شیوه سلف پیروی کرد. برخی از پژوهشگران، سلفیه را معادل «اصل‌گرایی» دانسته و در تعریف آن می‌گویند: «سلفیه عنوان عمومی افراد یا فرقه‌هایی از مسلمانان متجدد است که به عنوان اکتفا به پیروی از سلف صالح، مسلمین را از آنچه خرافات و بدعت متأخران می‌خوانند، برحذر می‌دارند» (حلبی، ۱۳۷۱: ۹۲). برخی دیگر نیز سلفیه را فهم دین بر اساس شیوه سلف امت، قبل از ظهور اختلاف میان آنان می‌دانند. (عمار، ۲۰۰۸: ۱۱)

اسلام سلفی به مثابه گفتمان، با موضع رادیکال خود در مقابل گفتمان سکولار غرب، به یکی از گفتمان‌های مهم در خاورمیانه تبدیل شده است. این گفتمان برای خود هویتی متمایز از سایر گفتمان‌ها در خاورمیانه قائل است. اسلام سلفی، شکلی از کنش کلامی - اجتماعی درون جوامع مسلمانان است که به صورت گفتمان بروز یافته است. به عبارتی؛ این گفتمان، بار تاریخی و تشکیل جامعه اسلامی توسط پیامبر اسلام (ص) را به تصویر می‌کشد. اسلام سلفی که میراث وهابیت در شبه جزیره عربستان است و به گفتمان نو بنیادگرایان و القاعده تسری یافته، در واقع تحولات اجتماعی - سیاسی را ولو به طور ابزاری، با تفاسیر مختلف قرآنی تفسیر می‌کند. هر چند این گفتمان ریشه در اندیشه‌ها و جریان‌های فکری قدیم‌تر، همچون ابن تیمیه و شاگردش ابن قیم الجوزیه از علمای حنبلی اهل سنت در قرن هشتم هجری قمری دارد، اما در عصر حاضر، اسلام سلفی از طریق وهابیت ساکن عربستان به طور رسمی گسترش یافته است.

یک) سازندگان گفتمان اسلام سیاسی - سلفی

جریان سلفی، ریشه در جریان‌های مذهبی تاریخ اسلام دارد. سلفی‌ها پایبند به ظواهر احکام قرآن و سنت بودند و در این راه، تعصب شدیدی به خرج می‌دادند. سازندگان گفتمان اسلام سیاسی - سلفی، بر خلاف گفتمان قبلی، افراد و جریان‌های گوناگونی‌اند. در ادامه به طور خلاصه به سازندگان اسلام سیاسی - سلفی از آغاز ظهور اسلام تا امروز، اشاره می‌کنیم.

- محمد بن عبدالوهاب (۱۱۱۵ م / ۱۲۰۶ هـ)

جریان خوارج در صدر اسلام بر شکل‌گیری گفتمان اسلام سلفی تأثیر بسزایی داشت. این جریان با ذهنیتی جزمی با بسیاری از مسائل، با عناوینی چون شرک و بدعت مبارزه می‌کرد. پس از آن، جریان اهل حدیث یا اصحاب حدیث که مخالف عقل بودند و صرفاً به ظواهر قرآن و حدیث و نقل



اخبار و روایات و احادیث توجه داشتند؛ از جمله احمد بن حنبل که از عقل و رأی بیزاری می‌جست و در استناد به حدیث - هر چند ضعیف و غیر مستند - تا آنجا مبالغه می‌کرد که گروهی او را از ائمه حدیث شمرده‌اند نه از فقها. و در نهایت، در قرن هشتم هجری قمری، ابن تیمیه و شاگردش ابن قیم الجوزیه که عقل، فلسفه، تشیع و تصوف را نوعی بدعت دانسته، بر بازگشت به سنت پیامبر (ص) و سلف صالح؛ یعنی صحابه تأکید داشتند. اینان از سازندگان اسلام سیاسی - سلفی تا قبل از سازنده اصلی این گفت‌وگو در دوره معاصر می‌باشند.

شیخ محمد بن عبدالوهاب را باید یکی از سازندگان مؤثر گفت‌وگوهای اسلام سلفی در دوره معاصر به حساب آورد. او با همکاری و اتحاد دوستی با محمد بن سعود در قرن ۱۸ میلادی، اندیشه‌ها و مواضع سیاسی - اجتماعی خود را بیان کرد. وی که در خانواده‌ای روحانی و حنبلی متولد شده بود، به آثار بسیاری از علمای حنبلی و از جمله ابن تیمیه دسترسی داشت و ضمن بهره‌گیری از آثار ابن تیمیه و ابن قیم الجوزیه، با بسیاری از علمای حنبلی در بلاد اسلامی نیز رابطه داشت. در واقع؛ محمد بن عبدالوهاب با استفاده از آثار علمای حنبلی در گذشته، گفت‌وگوهای سلفی در عصر معاصر را بازسازی کرد. بسیاری بر این باورند که مکتب فقهی حنبلی، اساس گفت‌وگوهای اسلام سیاسی سلفی و وهابی در عربستان سعودی محسوب می‌شود. (کمجان، ۱۳۶۶: ۲۷)

دو) دال و مدلول اسلام سیاسی - سلفی

با توجه به آثار و دیدگاه‌های سازندگان گفت‌وگوهای اسلام سلفی می‌توان دال برتر این گفت‌وگو را «اسلام سلف صالح» تعریف کرد؛ چون این گفت‌وگو در عین آنکه می‌کوشد در همه امور، قرآن را با علوم جدید منطبق جلوه دهد، همه جا نیز مسلمین را به توحید محض قرآنی و اجتناب از بدعت‌هایی که به تدریج و پس از عهد سلف صالح، در میان عامه مسلمین پدید آمده، دعوت می‌کند. محمد بن عبدالوهاب یکی از سازندگان گفت‌وگوهای اسلام سیاسی - سلفی در عصر حاضر در آثار و مکتوبات خود بر این دال برتر تأکید کرده و می‌گوید: «آخر اسلام درست نمی‌شود مگر به آنچه اولش با آن اصلاح شد. پس چاره‌ای نیست جز اینکه مسلمانان به حیات نخستین بازگردند؛ حیاتی که عبارت بود از توحید صحیح و عزت راستین؛ و برای این منظور، باید همه بدعت‌ها و خرافات را نخست بانزوی و مدارا ریشه‌کن کنند و اگر نشد، به زور و کشیدن شمشیر و پیکار مسلحانه» (حلبی، ۱۳۷۱: ۱۲۶).

سه) مفاهیم اصلی گفت‌وگوهای اسلام سیاسی - سلفی

با توجه به دال مرکزی اسلام‌گرایی سلفی که خاستگاه آن عربستان است، باید مدلول آن را در مفاهیمی چون: فرقه‌گرایی، تکفیرگرایی، نفی عقلانیت، نقل‌گرایی، ظاهرگرایی و سطحی‌نگری، ابزارگرایی، نفی نوگرایی و نوآوری تعریف کرد. در ادامه به این مفاهیم به عنوان مدلول‌های این گفت‌وگو به طور خلاصه اشاره می‌شود.

- فرقه‌گرایی

یکی از مفاهیم قابل توجه در گفت‌وگوهای اسلام سلفی، فرقه‌گرایی مخرب و خودبنیاد است. اقوال

و آرای سازندگان این گفتمان نشان می‌دهد که جریان سلفی‌گری با تفسیر انحصارطلبانه از فرقه «ناجیه»، مبدع ارزش‌ها و باورهای جدیدی ذیل سلفی‌گری است که اکثر مسلمانان آن را خلاف کتاب و سنت می‌دانند. جریان سلفی از احمدبن حنبل تا ابن تیمیه و از ابن تیمیه تا ابن عبدالوهاب، با توسل به حدیثی از پیامبر(ص)، تنها خود را فرقه ناجیه دانسته و بقیه فریق، حتی فریق اهل سنت را اهل دوزخ می‌دانند. (النجدی، ۱۹۷۹: ۴۰)

هر چند سازندگان این گفتمان، به ظاهر دعوت به اتحاد اسلامی می‌کردند؛ اما در عمل، دعوت آنها صرفاً مسلمانان سنتی را از تفرقه و پراکندگی منع می‌کرد؛ چون این اتحاد که عملاً وحدت میان حنبلیان علیه سایر فریق اسلامی بود، موجب شد تا این فرقه به بقیه جهان اسلام اعلام جنگ دهد؛ به شکلی که اقدامات آنها در جنگ و تجاوز علیه سایر فریق، نفرت و انزجار شیعیان و غیر حنبلیان را برانگیخت. حجم عظیم غارت‌ها، کشتارها و ویرانگری‌های آنان در اماکن مقدس اسلامی، دلیلی واضح بر فرقه‌گرایی این گروه است که موجب تفرقه و اختلاف در میان مسلمین شده است. این گفتمان با تاسی از افکار و اندیشه‌های سازندگان آن، پیروان تمامی فریق و مذاهب اسلامی را به جز آنها که پیرو احمد ابن حنبل و ابن تیمیه می‌باشند، اهل آتش می‌داند. این تفکر موجب شده است تا مسلمانان از خوف اینکه جزء فرقه اهل آتش نباشند، با یکدیگر اختلاف پیدا کنند. (السقاف، ۲۰۰۹: ۶۹)

بازگشت به دو منبع قرآن و سنت پیامبر(ص) که همان سنت سلف است، از منظر سازندگان گفتمان اسلام سیاسی - سلفی، وسیله‌ای برای وحدت و عامل تجدید آشتی برای مسلمانان در برابر دشمنان دین بوده است. اما سلفی‌گری منبعث از ابن حنبل و ابن تیمیه و برخی دیگر، این شعار را به جای استفاده بر ضد دشمنان دین، بر ضد شیعیان و در صفوف داخلی به کار گرفته است. این شعار در جریان سلفی‌گری، از ابن تیمیه تا ابن عبدالوهاب، در نظر و عمل به افراطی‌ترین وضع علیه شیعیان به عنوان رافضی، بدعت‌گذار و مشرک به کار گرفته شده است.

- تکفیرگرایی

تکفیرگرایی، مسئله نسبتاً جدیدالحدوث و خطرناکی است که توسط ابن تیمیه (از سازندگان اصلی گفتمان اسلام سلفی در قرن هشتم قمری) تئوریزه شد. این مفهوم به تدریج بسط و گسترش داده شد تا اینکه در نهایت به اصول فکری گروه‌های سلفی راه یافت. امروزه جریان سلفی‌گری به اعتبار این شاخصه، «تکفیری» نامیده می‌شود. دایره موضوعاتی که از نظر آنها موجب کفر و شرک می‌شود، بسیار گسترده و متنوع است.

این گفتمان با شعار دعوت به توحید، با تمامی فریق دیگر با این استدلال که آنها موحد نیستند و مشرکند، به جنگ برخاسته است. آنها بسیاری از معتقدات و آداب و افعال مسلمانان را با ذهنیت‌های قشری و خشک خود به عنوان شرک رد کرده و شرک را شامل همه چیز، جز آنچه در فرقه خود تجویز شده است، دانسته‌اند. سلفی‌ها با مشرک و کافر خواندن بیشتر مسلمانان، به سراسر جهان اسلام و پیروان همه مذاهب اسلامی اعلان جنگ دادند و عمل خود را مبارزه با شرک و جهاد در راه خدا با هدف استقرار

توحید می‌دانستند. حتی آنها معتقدند ریختن خون این مسلمانان مباح و غارت اموال و به بردگی گرفتن زنان و فرزندان آنها جایز است. (الگار، ۱۳۸۷: ۳۶)

ابن تیمیه معتقد بود اگر کسی از شخصی که از دنیا رفته درخواست کمک و شفاعت کند، کافر و کشتن او واجب است (رضوانی، ۱۳۹۰: ۱۲۲). ابن عبدالوهاب نیز در قرن ۱۲ هجری، همه مسلمانان را بدون استثنا تکفیر کرد. او در تکفیر مسلمانان غلو می‌کرد و دایره تکفیر را بسیار وسیع قرار داده بود. از آثار و مکتوبات ابن عبدالوهاب چنین بر می‌آید که هر کس در باب توحید خلاف آنچه او فهمیده است، بگوید و به آن معتقد باشد، کافر است. او در دعوت خود خطاب به تمامی مسلمانان می‌گوید: «من شما را به سوی توحید و یکتاپرستی می‌خوانم و می‌خواهم شرک را کاملاً کنار بگذارید» (موثقی، ۱۳۷۴: ۱۶۱). او در برخی آثار خود تأکید می‌کند تمامی مسلمانان در بلاد خود مشرک و کافرند و کشتن آنها مباح است. (الرضوی، بی‌تا: ۱۲۸)

- نفی عقلانیت

احمد بن حنبل، ابن تیمیه، ابن عبدالوهاب و سایر رهبران اسلام سلفی با هر گونه گرایش‌های عقلی، فلسفی، منطقی و تأویل و تفسیر قرآن و با هر روش و شیوه‌ای که از ظاهر فراتر می‌رفت، مخالف بودند و آن را به عنوان بدعت، تحریم می‌کردند. سازندگان این گفت‌وگو بر این نکته تأکید می‌کردند که چیزی از طریق رأی و عقل اثبات نمی‌شود، بلکه برای اثبات هر چیز باید به قرآن و حدیث مراجعه کرد. (همان: ۲۷)

از نظر آنان، عقل و منطق از اسلام نبوده و از طریق یونان وارد اسلام شده است. ابن عبدالوهاب می‌گوید: «ما هیچ کتابی را از بین نمی‌بریم مگر کتاب‌هایی که مردم را به عقایدشان دچار شک و تردید کند، مانند کتاب‌های علم منطق؛ چون قبل از اینکه ارسطو منطق را در یونان وضع کند، خداوند متعال در کتب خود در عهد حضرت نوح و عیسی و موسی آن را آورده است» (عمار، ۲۰۰۸: ۴۴). در این گفت‌وگو، با نفی عقلانیت، از هر گونه تفسیر و ژرف‌نگری و بهره‌گیری از عقل، علم و فلسفه در تعالیم دین و تطبیق آن با مقتضیات زمان، اجتناب شده است.

- نقل‌گرایی

مهم‌ترین اصل معرفت‌شناسی در گفت‌وگو اسلام سلفی، نقل‌گرایی به معنای ترجیح نقل بر عقل است. سازندگان این گفت‌وگو، اعتبار شرع را بی‌نیاز از امضای عقل معرفی می‌کنند. آنها کلیه امور عصر نبوت را برای مردم همه اعصار کافی دانسته، برای یافتن حکم هر مسئله‌ای، ابتدا به قرآن و سپس به روایات رسول خدا مراجعه و در استناد به احادیث بسیار اغراق می‌کردند؛ به شکلی که همواره با اهل حدیث درگیر اختلاف و منازعه بودند. آنها اگر در روایات، حکمی برای نقل آن نمی‌یافتند، به تشخیص خود عمل می‌کردند.

- ظاهرگرایی و سطحی‌نگری

آنها آیات و احادیث را حمل به ظاهر کرده، معنای حقیقی آنها را به خدا واگذار می‌کردند و معتقد



بودند خیر و شر، وابسته به اراده‌ی خداوند است و بنده‌ی او قادر به خلق اعمال خود نیست. آنها به منظور پیرایش دین از آلودگی‌ها و بدعت‌ها، تنها به ظاهر آیات و اخبار تکیه می‌کردند و حتی با استناد به ظاهر آیات، برای خدا دست و چشم قائل بودند (السقاف، ۲۰۰۹: ۶۰). سازندگان این گفتمان به آنچه از قدیم مانده، سخت پایبند بودند و عقاید صحیح اسلامی را در همان ظواهر و صورت قرآن و سنت منحصر می‌دانستند.

ظاهرگرایی و سطحی‌نگری موجب شده است تا میان بخش عمده‌ای از پیروان این گفتمان، تفرقه و اختلاف شدید ایجاد شود. بسیاری از پیروان اسلام سلفی در اینکه آیا تحولات جدید را باید پذیرفت یا خیر، با هم اختلاف دارند. شاید بخش عمده‌ای از عوامل انحطاط و عقب‌ماندگی جوامع اسلامی در دوره‌ی معاصر، تسلط این گفتمان بر این جوامع بوده است.

- ابزارگرایی

مسئله‌ی اصالت ظواهر در این گفتمان، نوعی ابزارگرایی ناشی از تقدّم عمل بر نظر را در نظام فکری این جریان باز کرده که بیشتر با ایده‌های ماکیاولیستی منطبق است. با توجه به این مفهوم، جریان‌های سلفی‌گری برای رسیدن به هدف، به کلیه‌ی راه‌های غیر مشروع توسل جسته، کاربرد هر وسیله‌ای برای نیل به هدف را توجیه می‌کنند (پورفرد، ۱۳۸۶: ۱۵). حتی بنا بر قول ابن تیمیه، اعمال غیر شرعی همچون دروغ و اخذ مال حرام برای رسیدن به هدف جایز است. (عبیدالجمعی، ۲۰۰۸: ۱۱)

گفتمان اسلام سلفی با تکیه بر همین میراث تاریخی و با الهام از فرضیه‌پردازی سازندگان آن در عصر حاضر، گسترده‌ترین شبکه‌ی تروریستی را سازماندهی کرده و برای رسیدن به اهداف خود هر وسیله‌ای را مجاز می‌شمارد؛ حتی از عملیات انتحاری و کشتن بی‌گناهان ابایی ندارد. بسیاری از رهبران القاعده کشته شدن بسیاری از افراد نظامی و غیر نظامی، اعم از مسلمان و غیر مسلمان در عملیات‌های انتحاری را جایز می‌دانند و برای آن توجیه فقهی ارائه می‌دهند. آنها بر اساس یک مفهوم فقهی سلفی به نام «سپر قرار گرفتن»، قتل مسلمانان در این اماکن را جایز می‌دانند. (اسماعیلی، ۱۳۸۶: ۱۵)

- نفی نوآوری و نوگرایی

با وجود اینکه سازندگان این گفتمان، دعوت خود را با عنوان اصلاح و اصلاح‌طلبی آغاز کرده‌اند، اما در عمل با هرگونه تحول و نوآوری و نوگرایی در جامعه‌ی اسلامی به بهانه‌ی مخالفت با بدعت در دین مخالفت کرده‌اند. از ابن حنبل و ابن تیمیه گرفته تا ابن عبدالوهاب و رهبران گروه سلفی القاعده، همه‌ی امور و پدیده‌های جدیدی را که در سه قرن اول هجری سابقه نداشت، به عنوان بدعت، حرام می‌دانستند. آنان اصل را بر این قرار داده‌اند که همه‌ی امور و پدیده‌ها در طول قرون گذشته به جز آن چیزهایی که در نص صریح قرآن و سنت پیامبر (ص) آمده، حرام و بدعت است. در واقع، گفتمان اسلام سلفی، با شعار بازگشت به سیره‌ی سلف، هرگونه آموزه‌های دنیای جدید را نفی می‌کند. (بهرروز لک، ۱۳۸۶: ۱۷۶)



نمودار ۲: صورت بندی گفتمان اسلام سیاسی - سلفی

۳. گفتمان اسلام سیاسی سکولار (جمهوری لائیک ترکیه)

گفتمان اسلام سیاسی سکولار یا گفتمان اسلام لیبرالی، گفتمان مسلط در جامعه ترکیه در دهه اخیر بوده است. هر چند افکار، عقاید و مواضع پدیدآورندگان این گفتمان در چند دهه اخیر با هم فاصله داشته است، اما از مجموع مواضع و آرای صاحبان اصلی این گفتمان می‌توان ویژگی‌ها و خصوصیات آن را تبیین کرد. این گفتمان در داخل ترکیه به یک گفتمان مسلط در برابر سایر خرده‌گفتمان‌ها تبدیل شده است. گرچه گفتمان اسلام سیاسی سکولار در ترکیه، هم از لحاظ سازندگان و هم از نظر دال و مدلول و مفاهیم تشکیل‌دهنده آن با دو گفتمان عمده دیگر در خاورمیانه کاملاً متفاوت است، اما رقابتی جدی بین آنها برای گسترش دامنه نفوذ در منطقه و تبدیل شدن به گفتمان برتر در جریان است.

گفتمان اسلام‌گرایی در ترکیه، متأثر از اسلام صوفی تسامحی است که توسط بازرگانان و تجار به این کشور وارد شده است. بر خلاف گفتمان اسلام‌گرایی در جمهوری اسلامی ایران، فقها در شکل‌گیری اسلام سیاسی در ترکیه نقشی ندارند، بلکه طریقت‌ها در آن تأثیر عمده‌ای داشته‌اند. رهبران جریان اسلام‌گرایی در ترکیه به طور عمده پیرو مذهب سنتی حنفی و متمایل به دو طریقت «نورجیه» و «نقشبندیه» اند.

طریقت نقشبندی در میان اهل سنت ترکیه، به ویژه پس از سال ۱۹۷۰، بسیار گسترش یافت. مثبت‌ترین کاری که نقشبندی‌ها به ویژه یک گروه آنان به نام «یشیکچیلر» انجام داده‌اند، خنثی کردن تبلیغات و نفوذ وهابیت در ترکیه بوده است. مریدان این طریقت، کتابی به نام «سعادت ابدیه» را خانه به خانه در میان مردم پخش کردند که محتوای آن، نقدهایی بر عقاید وهابیت بود. بنیانگذار طریقت «نورجیه»، سعید نوری است که سال ۱۹۶۰ م. از دنیا رفته است. این طریقت بعد از فوت نوری، در مدت کوتاهی به دسته‌های مختلف منشعب شد، ولی دوباره توسط فردی به نام



فتح‌الله گولن (فارغ‌التحصیل مدارس امام خطیب- در سطح دیپلم متوسطه- کارمند سابق و مبلغ سازمان امور دیانت ترکیه در استان ارزروم) زیر یک چتر گرد آمدند. نوری‌ها رهبر اصلی عقیدتی خود را رسول اکرم (ص)، رهبر افکار جماعت خود را سعید نورسی (از علمای منطقه جنوب شرقی ترکیه که عقاید و افکارش موجب ناراحتی آتاتورک و نگرانی کمالیست‌ها شد) و رهبر امروزی خود را فتح‌الله گولن می‌دانند. برخی از طرفداران متعصب جماعت نوری‌ها، فتح‌الله گولن را «مهدی منجی» و «عیسی» خطاب می‌کنند.

یک سازندگان اسلام سیاسی سکولار در ترکیه

در شکل‌گیری گفتمان اسلام‌گرایی در ترکیه، دو شخصیت مهم در عرصه سیاسی و اجتماعی تأثیر بسزایی داشته‌اند؛ در عرصه سیاسی از نجم‌الدین اربکان پیرو طریقت عرفانی نقشبندی به عنوان پدر اسلام سیاسی در ترکیه یاد می‌شود و در عرصه اجتماعی از فتح‌الله گولن پیرو طریقت عرفانی نوری به عنوان یکی از شخصیت‌های بسیار مؤثر در گسترش اسلام‌گرایی از طریق انجام کارهای آموزشی و فرهنگی در داخل و خارج ترکیه نام برده می‌شود.

- نجم‌الدین اربکان

نجم‌الدین اربکان در حرکت اسلام‌گرایی در ترکیه نقش کلیدی و بسیار مؤثری داشته است. به نظر می‌رسد هر جا از اسلام سیاسی در ترکیه صحبت می‌شود، نام اربکان نیز به عنوان یکی از بارزترین رهبران تفکر اسلامی و یکی از اثرگذارترین شخصیت‌های دینی در عرصه سیاسی این کشور مطرح می‌شود.

یکی از بارزترین شخصیت‌هایی که تأثیر مهمی بر رویکرد دینی و مذهبی اربکان داشت، شیخ محمد زاهد کتکو، رهبر طریقه نقشبندی بود. این رهبر مذهبی که به دشمنی با غرب معروف بود و به استقلال فکری و اقتصادی ترکیه می‌اندیشید، از مدارس سنتی اسلامی فارغ‌التحصیل شده بود. او صاحب نظریه‌های معتبر و یکی از نظریه‌پردازان اسلام سیاسی محسوب می‌شد. همچنین باید گفت شیخ محمد تا حدود زیادی از افکار و اندیشه‌های متفکران مسلمان در مدرسه اخوان المسلمین بهره برده بود.

گفتنی است طریقه نقشبندی در حیات سیاسی ترکیه تأثیر بسیار عمیقی داشته است. شیخ محمد کتکو، بسیاری از اسلام‌گرایان را تشویق کرد تا احزاب اسلام‌گرا تأسیس کنند. اربکان نیز حزب رفاه را با اشاره او تأسیس کرد. برخی بر این نکته تأکید می‌کنند که: «هیچ سیاستمدار اسلام‌گرای ترکی را نمی‌توان یافت که برای خود، شیخ یا طریقت نداشته باشد؛ هر چند آن را اعلان نمی‌کند» (حرب، ۱۹۹۸: ۱۲۸). بسیاری تأکید می‌کنند ریشه اسلام‌گرایی در ترکیه، به واسطه تأثیر طریقت نقشبندی بوده است. (ماردین، ۲۰۰۰: ۱۵۹)

- فتح‌الله گولن

فتح‌الله گولن در سال ۱۹۳۹ در ارزروم ترکیه متولد شد. او که پیرو طریقت نوری به عنوان

چند دهه اخیر نقش مهمی در رشد و گسترش اسلام‌گرایی در ترکیه داشته است. هر چند این گروه قائل به کار سیاسی از طریق سلسله‌مراتب حزبی نیست، اما با راه‌اندازی روزنامه و شبکه‌های تلویزیونی و با مدیریت شبکه وسیعی از مراکز انتشاراتی، مدارس، دانشکده‌ها و شرکت‌های سرمایه‌گذاری و مراکز فرهنگی در داخل و خارج ترکیه، مخاطبان بسیاری را به خود جلب کرده است.

فتح‌الله گولن با تأسی از طریقت نورجیه، مأموریت اصلی خود را بر تبلیغ و ارشاد قرار داده است و با راه‌اندازی روزنامه پرتیراژ «زمان» و شبکه‌های تلویزیونی، در معادلات سیاسی ترکیه نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. گولن مدعی است که رهبری طریقت خاصی را به عهده ندارد، اما یک رهبر دینی است که یکی از پایه‌های جهان‌بینی او اسلام و پایه دیگر آن ملی‌گرایی و محافظه‌کاری است. گولن به جای انقلاب، از اصل دعوت دفاع می‌کند و معتقد است اگر افراد اصلاح‌شوند، جامعه خودبه‌خود اصلاح می‌شوند.

برخی معتقدند اندیشه‌ها و مواضع فتح‌الله گولن بیشتر به خاطر شرایط خاص ترکیه است که نظام لائیک اجازه فعالیت به گروه‌های اسلام‌گرا را نمی‌دهد. بنابر این، اهداف فتح‌الله بسیار فراتر از سطح اجتماعی است؛ هر چند برای پیشبرد اهداف خود از روش‌های غیر سیاسی استفاده می‌کند. این عده تأکید می‌کنند فتح‌الله گولن هیچ‌گاه از خط مشی رهبرش، بدیع‌الزمان نوری، بنیانگذار طریقت نور جدا نشد که تأکید می‌کرد: ما اهل حقیقتیم نه طریقت. (زارع، ۱۳۸۷: ۲۴۷)

بدین ترتیب، جریان فتح‌الله گولن به عنوان یکی از عوامل مؤثر در شکل‌گیری گفتمان اسلام‌گرایی در ترکیه، از آناتولی مرکزی سنت‌گرا سرچشمه گرفته و اسلام‌آکنده از تساهل و مدارا و احیای اسلامی که کانون آن بر آموزش و پرورش، مردم‌سالاری، تساهل و ایجاد جامعه‌ای مدنی بر شالوده‌ای از اصول معنوی اسلام باشد را مبنای فعالیت‌های خود قرار داده است. این جریان همانند جریان حزب عدالت و توسعه با پایبندی به پیشینه اسلامی کشور، تلاش می‌کند تا نوگرا و فن‌سالار باقی بماند و جزیی از نظام اروپا و غرب محسوب شود؛ در عین حال تأکید دارد که ترکیه در این راه نباید هویت اسلامی خود را از دست بدهد.

با توجه به اینکه رهبران تأثیرگذار در حزب عدالت و توسعه، همچون: رجب طیب اردوغان، عبدالله گل و احمد داود اوغلو، از شاگردان اربکان بوده‌اند. بنابر این دال و مدلول مرکزی گفتمان اسلام‌گرایی در ترکیه و مفاهیم اصلی آن را با توجه به اندیشه‌ها و مواضع این دو بررسی می‌کنیم.

دو) دال و مدلول گفتمان اسلام سیاسی سکولار

با توجه به نوع اسلام حاکم در ترکیه و نگاه رهبران اسلام‌گرای ترکیه، به ویژه سازندگان این گفتمان، می‌توان گفت دال مرکزی و برتر این گفتمان، اسلام سکولار یا به عبارتی؛ اسلام لیبرالی است.

تعریف حزب عدالت و توسعه از اسلام در چارچوب آموزه‌های سنتی - حنفی ارائه می‌شود. بررسی دقیق سیاست‌های حزب عدالت و توسعه، بیانگر این است که این حزب با قرائت سنتی -



حنفی از اسلام، خواهان نقش‌آفرینی دین در سیاست است. با توجه به اظهارات و مواضع رهبران اسلام‌گرایی در ترکیه، خواه آنان که به عنوان نظریه‌پرداز محسوب می‌شوند و خواه آنان که نظریه را با عمل در هم آمیخته‌اند، پایبند به یک اسلام سکولار و لیبرالی‌اند که بر اساس آن، هم بتوانند هنجارها و ارزش‌های دینی را در جامعه ترویج کنند و هم بتوانند با اقتباس آموزه‌های جوامع مدرن، با خشونت و افراط‌گرایی تعصب‌آلود در جامعه ترکیه مقابله کنند.

نجم‌الدین اربکان با انتقاد از برداشتی که از سکولاریسم در جامعه ترکیه حاکم شده است، تأکید می‌کند: ما به سکولاریسمی اعتقاد داریم که آزادی بیان و عقیده را در یک چارچوب دموکراتیک محترم شمرد، نه سکولاریسم موجود در ترکیه که سیاست ضد اسلامی دارد و به صورت ابزاری برای سرکوب مسلمانان این کشور درآمده است (سایاری، ۱۹۹۶: ۷). اربکان در آغاز فعالیت سیاسی خود به شدت با سکولاریسم مخالف بود، اما به تدریج در اواخر دهه ۹۰ میلادی از رویکرد گذشته خود فاصله گرفت و خود را یک سکولار واقعی و پیرو واقعی آتاتورک توصیف کرد. (نورالدین، ۱۳۸۳: ۱۳۱)

فتح‌الله گولن نیز بر این باور است که در ترکیه، قید و بندی در حوزه حیات دینی وجود ندارد؛ چون هر کس آزاد است مطابق میل خود به عبادت بپردازد و هیچ کس در زندگی اسلامی حوزه خصوصی خانواده دخالت نمی‌کند (همان: ۲۵۳). این گفته گولن نشان می‌دهد که او برای دین، نقش محدودی در چارچوب عبادت شخصی قایل است. رجب طیب اردوغان نیز بر سکولاریسمی تأکید دارد که حاصل فرایندی دموکراتیک باشد. او تأکید می‌کند: ما باید از تصمیمات شایسته مصطفی کمال در ایجاد نظام سکولار در کشور، غیرتمندانه پاسداری کنیم؛ ما نباید اجازه دهیم مفاهیم وحدت‌بخشی چون سکولاریسم، به عوامل نارضایتی اجتماعی تبدیل شوند. (باووز، ۱۳۸۹: ۲۵۵)

سه) مفاهیم اصلی گفتمان اسلام سیاسی سکولار

با توجه به دال مرکزی اسلام سیاسی سکولار که خاستگاه آن ترکیه است، باید مدلول آن را در مفاهیمی چون: عقلانیت و نوآوری، لیبرالیسم، تعامل‌گرایی، اسلام اعتدالی، تساهل و تسامح، حاکمیت مردم و جدایی دین از سیاست تعریف کرد. این مفاهیم، تصویر ذهنی متفاوتی از نوع دیگری از اسلام‌گرایی است که ویژگی‌های گفتمان اسلام سیاسی سکولار را مشخص می‌سازند. در ادامه به این مفاهیم به عنوان مدلول‌های این گفتمان به طور خلاصه اشاره می‌شود.

- عقلانیت و نوآوری

رهبران اسلام‌گرا در ترکیه در گفتار و رفتار خود بر عقلانیت و نوآوری به عنوان دو عنصر کلیدی تأکید دارند. برخی از آنها هر گونه نو شدن و مدرن شدن را مستلزم وجود عقلانیت در جامعه می‌دانند. اربکان یکی از مؤثرترین افراد در شکل‌گیری گفتمان اسلام‌گرایی در ترکیه، بر این باور است که: اگر بخواهیم به پیشرفت دست یابیم، لازم است تا عقلانیت ملی را در کشور احیا کنیم. اخلاق و معنویات در خلال گسترش عقلانیت در جامعه بارور می‌شوند. (السید، ۲۰۰۱: ۲۵۴)

فتح‌الله گولن نیز عقلانیت را پایه اصلی پیشرفت می‌داند. او با وجود اینکه پیرو فرقه عرفانی



نورجیه است، اما با فاصله از نحله‌های صوفی‌گرایانه، بر عنصر دانش و خردورزی در اسلام تأکید می‌کند و با تأکید بر اینکه عقل، شهر دانش‌ها و نبود دانش، منشأ تعصبات و تقلیدهاست، اذعان می‌کند که راه حل، نه چنانکه در غرب مطرح است، در فکر و عقل صرف است و نه چنانکه در شرق مطرح است، در قلب و روح است؛ بلکه راه حل در تربیت مَّتکی بر روشنگری عقلی - فکری و معنوی - قلبی است. (نورالدین، ۱۳۸۳: ۲۴۸)

- لیبرالیسم و دموکراسی

یکی از مفاهیم عمده در گفتمان اسلام سیاسی سکولار، اصل لیبرالیسم و دموکراسی، هم در حوزه سیاسی و هم در حوزه اقتصادی است. هنگامی که رهبران حزب عدالت و توسعه که نسل جوان‌تر حزب رفاه محسوب می‌شدند، به این نتیجه رسیدند که ایدئولوژی مبتنی بر نظم عادلانه با واقعیات عملی ترکیه سازگاری ندارد؛ لذا با دست شستن از آن، چارچوبی نولیبرال را برگزیدند. ظهور بورژوازی اسلامی آناتولیایی زمینه را برای تحقق دموکراتیزاسیون و گرایش بازیگران اسلامی به لیبرالیسم هموار کرد.

رهبران اسلام‌گرای حزب عدالت و توسعه هیچ تناقضی میان اسلام و لیبرالیسم و دموکراسی نمی‌بینند و بر این باورند که اسلام و لیبرالیسم می‌توانند در کنار یکدیگر در تحولات جامعه نقش بازی کنند. رهبری حزب عدالت و توسعه به دلایل عملی ترجیح می‌دهد خود را بخشی از «دموکراسی محافظه‌کار» بداند و ریشه‌های فرهنگی و دینی هویت و نظام ارزشی ترک را بپذیرد. حزب عدالت و توسعه در مانیفست انتخاباتی خود در سال ۲۰۱۱ تصریح می‌کند که هویت این حزب، دموکراسی محافظه‌کار است. در این مانیفست تأکید شده است: حزب عدالت و توسعه با این هویت سیاسی توانسته است در عرصه انتخابات در سه دوره پایایی به پیروزی دست یابد (صدای بیانیه، ۲۰۱۱: ۱۶). به نظر می‌رسد حزب عدالت و توسعه با معرفی خود به عنوان هوادار «دموکراسی محافظه‌کار» در صدد است تا انتساب هر گونه برچسب اسلامی به خود، یا صرف مسلمان بودن خود را نفی کند. این حزب با استفاده از این هویت، از لحاظ اقتصادی خود را حزبی لیبرال و به لحاظ سیاسی حزبی محافظه‌کار تعریف می‌کند.

- عمل‌گرایی

یکی دیگر از مفاهیم کلیدی گفتمان اسلام‌گرایی دهه اخیر در ترکیه، عمل‌گرایی رهبران حزب عدالت و توسعه در برخورد با مسائل داخلی و خارجی این کشور بوده است. تا سه دهه پیش از روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه، نگاه رهبری جریان اسلام‌گرایی به مسائل داخلی و خارجی، نگاهی ایدئولوژیک‌محور بود؛ اما سرکوب شدید این جریان توسط حامیان نظام سکولار در کودتای فوریه ۱۹۹۷، ظهور نسلی نوظهور با نگرش لیبرالی و معتقد به اقتصاد بازار، شکل‌گیری طیف روشنفکران جدید مسلمان و شروط اتحادیه اروپا در چارچوب موازین کپنهاک برای پیوستن این کشور به این اتحادیه، موجب شد تا جریان اسلام‌گرایی به تدریج با فاصله از نگاه ایدئولوژیک‌محور خود به مسائل،



به عمل‌گرایی روی آورد. در واقع؛ رهبران حزب عدالت و توسعه، گفتمان اسلام‌گرایی در سه دههٔ اخیر را که مبتنی بر ایدئولوژی و آرمان‌گرایی بود، با گفتمان جدیدی جایگزین کردند که با قرار دادن واقع‌گرایی و عمل‌گرایی به جای ایده‌گرایی و شعارزدگی، منافع ملی ترکیه را بر رویکرد ایدئولوژیک خود ترجیح داد.

ساختار حاکم بر ترکیه و قیود قانونی که برای فعالیت احزاب اسلام‌گرا در این کشور وجود داشت، رهبران اسلام‌گرا را در دههٔ اخیر بر آن داشت تا با استفاده از این تجربه، به منظور تضمین بقای خود در عرصهٔ سیاسی این کشور، به گفتمان جدیدی رو آورند؛ عبدالله گل یکی از رهبران مؤثر در شکل‌گیری این گفتمان، بر این باور است که: در حادثهٔ کودتای ۱۹۹۷ همهٔ ما تغییر کردیم و تجربیات فراوان کسب کردیم. ما قصد داریم با حداکثر تلاش به نحو شایسته‌ای از این تجربیات درس بگیریم. سایر رهبران اسلام‌گرا در دههٔ اخیر بر این تغییر رویکرد تأکید داشته و به این نتیجه رسیده‌اند که باید درک تازه‌ای از سیاست پیدا کنند و با رویکردی عمل‌گرایانه، منافع کشور را در داخل و خارج تأمین کنند.

– تساهل و تسامح

با توجه پیروی اغلب رهبران اسلام‌گرا در ترکیه از طریقت‌هایی چون نقشبندیه و نورجیه، اسلام حاکم بر ترکیه یک اسلام صوفی طریقتی تسامحی است که بر اعتدال بنا شده است. قرائت میانه‌رو از اسلام، نه تنها در میان رهبران اسلام‌گرایی چون فتح‌الله گولن، طیب اردوغان و عبدالله گل وجود دارد، بلکه این قرائت در فرد فرد ترک‌ها نهادینه شده است. گولن با دعوت همه به دموکراسی و آزادی و تسامح بیشتر، تأکید می‌کند هر کس آزاد است به میل خود به عبادات بپردازد و هیچ کس نباید در زندگی و حوزهٔ خصوصی افراد دخالت کند (باووز، ۱۳۸۹: ۲۵۳). وی اسلام ترکیه را مبتنی بر تساهل و تسامح و عاری از محدودیت‌های سختگیرانه می‌داند و تساهل و تسامح و گفتگو را عوامل اساسی برای ثبات و آرامش جامعه ذکر می‌کند. او با تأکید بر تساهل و تسامح با تمامی گروه‌های دینی، اذعان می‌کند نباید کسی را به خاطر داشتن دین خاص یا شخصی را به خاطر الحاد سرزنش کرد یا نباید از هیچ کس به خاطر نوع لباس یا اندیشه‌اش انتقاد شود. لازمهٔ برقراری اعتماد، صلح و آرامش در کشور، تحمّل یکدیگر با سعهٔ صدر است. (ارس و کاه، ۱۳۸۱: ۶۴)

– جدایی دین از سیاست

تفکیک میان دو حوزهٔ دین و سیاست و به بیان دیگر؛ سکولاریسم، از دیگر مفاهیم مهم در گفتمان اسلام‌گرایی در ترکیه است. بخش عمدهٔ رهبران اسلام‌گرا در ترکیه اعتقادی به دخالت دین در امور سیاسی ندارند؛ فتح‌الله گولن یکی از افراد مؤثر در شکل‌گیری گفتمان جدید اسلام‌گرایی در ترکیه، با اشاره به تفکیک حوزهٔ دین از سیاست، بر به کار نرفتن دین و شریعت از سوی دولت تأکید دارد. اربکان با وجود اینکه به اسلام به عنوان تنها راه حل برای رفع مشکلات کشور اعتقاد دارد، اما در عین حال بر جدایی حوزهٔ دین از سیاست تأکید می‌کند و در مواضع خود با انتقاد از

سکولاریسم حاکم در ترکیه می‌گوید ما به سکولاریسم اروپایی که به آزادی عقیده و بیان اهمیت می‌دهد پایبندیم؛ چون از نظر وی، سکولاریسم حاکم بر ترکیه، ابزاری برای مخالفت با اسلام و سرکوب مسلمانان است. (سایاری، ۱۹۹۶: ۷)

از مواضع و اظهارات رهبران حزب عدالت و توسعه نیز می‌توان دریافت که گفتمان اسلام‌گرایی دهه اخیر در ترکیه، گفتمان سکولار است؛ چون این رهبران مذهب را به امور فردی و شخصی منحصر کرده‌اند. اردوغان با اعلام این مطلب که گرایش حزب عدالت و توسعه به اسلام، درست به اندازه گرایش حزب دموکرات مسیحی آلمان به آموزه‌های مسیح است، تأکید می‌کند: سکولاریسم، اصل اساسی صلح و دموکراسی اجتماعی و به معنی بی‌طرفی دولت در قبال عقاید دینی است. او در اظهاراتی دیگر بیان می‌کند: سکولاریسم به معنی بی‌طرفی حکومت است که باید ضمن حفظ فاصله برابر با همه باورهای دینی، آزادی دین و عقیده افراد را تضمین کند. عبدالله گل نیز می‌گوید: حزب ما یک حزب دینی نیست و تلاش می‌کنیم که نماینده همه باشیم.

– تعامل با شرق و غرب

گرایش یک‌جانبه کمالیست‌ها به غرب و تنش با دنیای شرق و گرایش اربکان به سوی شرق و تنش با غرب، موجب شکل‌گیری دو گفتمان متضاد در عرصه سیاسی و بین‌المللی ترکیه شده بود. رهبران حزب عدالت و توسعه با برقراری توازن در سیاست خارجی، به ارائه گفتمان جدیدی پرداختند که موجب تعامل این کشور با غرب و شرق برای تأمین منافع ملی شد. از نظر رهبران حزب عدالت و توسعه، ترکیه غربی‌ترین نقطه شرق و شرقی‌ترین نقطه غرب است بنابراین، هم باید با تمامی کشورهای شرق، به خصوص جهان اسلام روابط دوستانه‌ای داشته باشد و هم با کشورهای غرب که از لحاظ فتاوری و اقتصادی پیشرفته‌اند. اربکان نیز در دهه ۱۹۹۰ پس از تشکیل کابینه تأکید کرد که ترکیه دو بال دارد؛ یکی در شرق و دیگری در غرب. (نورالدین، ۱۳۸۳: ۱۳۳)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی



نمودار ۳: صورت‌بندی گفتمان اسلام سیاسی سکولار در جمهوری ترکیه



ه) نقاط تعارض گفتمان انقلاب اسلامی با سایر گفتمان‌ها در منطقه غرب آسیا

با توجه به صورت‌بندی سه گفتمان اسلام‌گرا در خاورمیانه، می‌توان گفت ویژگی‌های خاص هر یک از این گفتمان‌ها موجب منازعه و رویارویی میان آنها در خاورمیانه شده است. گفتمان انقلاب اسلامی ایران از لحاظ ارزشی و فرهنگی با گفتمان‌های سلفی و سکولار در تعارض آشکار قرار دارد. هر چند اسلام به عنوان دال مرکزی، وجه مشترک هر سه گفتمان محسوب می‌شود، اما نوع برداشت از اسلام توسط سازندگان این سه گفتمان، گفتمان انقلابی را در تعارض با دو گفتمان دیگر قرار داده است. این امر موجب شده است تا مفاهیم اصلی هر یک از این گفتمان‌ها در تعارض با یکدیگر قرار گیرد و نقاط مشترک میان آنها به حداقل برسد.

در این میان، گفتمان انقلاب اسلامی که با عنوان اسلام فقاهتی مطرح می‌شود، در مقایسه با دو گفتمان دیگر، از ویژگی‌ها و خصوصیات منطبق با مطالبات جوامع اسلامی برخوردار است. برخلاف دو گفتمان اسلام‌گرای سکولار و سلفی، گفتمان انقلابی از مبانی و زمینه‌های محکم‌تری برخوردار است؛ چون اسلام سکولار در ترکیه، یک اسلام وارداتی توسط تجار مسلمان به این کشور است و اسلام سلفی، یک اسلام ارتجاعی برگرفته از اندیشه‌ی خشن و متحجر جریان‌های سطحی‌نگر و منحرف از صدر اسلام تا به امروز است.

نقاط تعارض میان گفتمان انقلاب اسلامی با دو گفتمان اسلام سیاسی سلفی و سکولار را می‌توان در محورهای ذیل خلاصه کرد:

۱. گفتمان انقلاب اسلامی به دلیل دال مرکزی خود (اسلام ناب محمدی)، واجد ارزش‌ها و فرهنگ متفاوتی از دو گفتمان دیگر در خاورمیانه است؛ چون گفتمان انقلابی در ایران بر اساس اندیشه‌های امام خمینی (ره) که ذخیره‌ی مکتب تشیع در دوره معاصر است، شکل گرفته، در حالی که دال مرکزی گفتمان اسلام‌گرایی در ترکیه، اسلام لیبرالی و دال مرکزی گفتمان اسلام‌گرایی سلفی در عربستان، اسلام سلفی است که در تقابل با فرهنگ و ارزش‌های گفتمان انقلاب اسلامی قرار دارند.
۲. یکی از ویژگی‌های گفتمان انقلاب اسلامی، تبیین اصل خدامحوری به جای انسان‌محوری در زندگی فردی و اجتماعی است. اعتقاد به اینکه حاکمیت الهی، جامعه اسلامی را در همه شئون خود هدایت می‌کند، موجب شده است تا گفتمان انقلابی، ارزش‌ها و فرهنگ متفاوتی از دو گفتمان دیگر در جامعه ایجاد کند. اما گفتمان اسلام سکولار با جدا کردن حوزه دین از سیاست، انسان‌محوری را جایگزین خدامحوری کرده و گفتمان اسلام سلفی با برداشت غلط از اسلام، فرهنگ و ارزش‌های متفاوتی که نه الهی و نه انسانی است را ترویج و گسترش داده است.

۳. اعتقاد به پیوند حوزه دین و سیاست در گفتمان انقلابی، موجب شده است تا ارزش‌های الهی وارد زندگی اجتماعی و سیاسی افراد جامعه شود؛ در حالی که گفتمان اسلام سکولار با جدا کردن حوزه دین از سیاست، جامعه را از معنویت و ارزش‌های الهی تهی کرده و اسلام سلفی نیز به دلیل ارائه تفسیر مرتجعانه و افراطی از اسلام، هم معنویت را در جامعه اسلامی از بین برده و هم جلوی

پیشرفت در جامعه را گرفته است.

۴. تأکید بر ارزش‌های الهی و نفی ارزش‌های غربی، از ویژگی‌های مهم گفتمان انقلابی در ایران است که دو گفتمان دیگر را به چالش کشیده است. گفتمان اسلام لیبرالی در ترکیه با ترویج ارزش‌های غربی در جامعه، به تدریج معنویت و ارزش‌های الهی را از روابط اجتماعی حذف کرده است. از سوی دیگر، گفتمان اسلام سلفی نیز با خصومت کورکورانه با غرب، جلوی ورود هر نوع پیشرفت و نوآوری و گسترش عقلانیت در جامعه را گرفته است؛ گفتمان اسلام سلفی به بهانهٔ مقابله با غرب، به اقدامات افراطی و خشونت‌آمیزی دست زده که اسلام را به عنوان دینی خشن به جهان معرفی کرده است.

۵. از دیگر ویژگی‌های گفتمان انقلاب اسلامی، ترویج فرهنگ تسامح با سایر گروه‌ها و ادیان در جامعه است؛ اما بر خلاف گفتمان اسلام سکولار در ترکیه، گفتمان انقلابی با هر گونه اباحه‌گری در جامعه مخالف است. ترویج و گسترش فرهنگ اباحه‌گری در گفتمان اسلام سکولار در ترکیه موجب ترویج ارزش‌ها و فرهنگ مخرب غرب در جامعهٔ ترک شده که در تضاد با میراث دینی این کشور است. در گفتمان اسلام سلفی نیز با ترویج فرهنگ فرقه‌گرایی و تکفیرگرایی، راه بر هر گونه تعامل با گروه‌ها و سلیقه‌های مختلف بسته شده است.

۶. تأکید گفتمان انقلاب اسلامی بر عقلانیت ارزشی، رویکرد جدیدی را در ادبیات اجتماعی و سیاسی به وجود آورده که ارزش‌های فرهنگی دو گفتمان دیگر را به چالش کشیده است. در گفتمان اسلام سکولار در ترکیه، نگاه به مقولهٔ عقلانیت، بیشتر ابزاری است. رهبران اسلام‌گرای ترکیه در بحث عقلانیت، تنها به منافع اقتصادی و مسئلهٔ سود و زیان توجه کرده‌اند. در این گفتمان، به عقلانیت مبتنی بر ارزش‌ها و فرهنگ توجهی نشده است. گفتمان اسلام سلفی نیز با تأکید بر ظاهرگرایی و سطحی‌نگری و ترجیح نقل بر عقل، هر گونه مشی عقلایی را زیر سؤال برده و نوعی فرهنگ خرافه‌گرایی را در جامعه رواج داده است.

و) نتیجه‌گیری

هر یک از گفتمان‌های اسلام‌گرا در خاورمیانه، ویژگی‌ها و خصوصیات خاص خود را دارند. این امر موجب شده است تا خاورمیانه همواره شاهد یک منازعهٔ بین گفتمانی باشد. در این میان، گفتمان انقلاب اسلامی در مقایسه با سایر گفتمان‌های اسلام‌گرا در خاورمیانه، واجد خصوصیات و ویژگی‌هایی است که زمینهٔ تعارض میان این گفتمان‌ها را برای مسلط شدن در خاورمیانه فراهم کرده است. گفتمان انقلابی که برگرفته از فقه شیعه و اندیشهٔ فقهایی چون امام خمینی (ره) است، با توجه به ویژگی‌هایی چون: توسعهٔ فرهنگ مردم‌سالاری بر اساس مبانی دینی، وارد کردن دین در عرصهٔ سیاست، تعادل در روابط با دنیای غرب، گسترش فرهنگ برخورد انقلابی با ظلم و بی‌عدالتی در جهان، به چالش کشیدن اقتصاد سرمایه‌داری و تأکید بر عقلانیت ارزشی به جای عقلانیت ابزاری، با بسیاری از مطالبات ملت‌های انقلابی منطقه انطباق و همخوانی دارد. فرهنگ سلطه‌ستیزی



یکی از ویژگی‌های مهم گفتار اسلام انقلابی است که موجب تعارض این گفتار با گفتارهای سلطه‌پذیر در خاورمیانه شده است.

اما گفتار اسلام سکولار یا اسلام لیبرالی، به دلیل داشتن ویژگی‌هایی چون: تأکید بر سکولاریسم، جدا کردن حوزه دین از سیاست، پذیرش الزامات موازین اروپایی کپنهاک، عدم برخورد انقلابی با ظلم و بی‌عدالتی در منطقه و جهان، رها کردن همکاری و همراهی با کشورهای مسلمان منطقه چون سوریه، بازی در معادلات غرب، تأکید بر اقتصاد سرمایه‌داری و اقتصاد بازار و ترویج اباحه‌گری در جامعه، فرهنگ متفاوتی از مطالبات و آرمان‌های ملت‌های منطقه ارائه می‌دهد. بدین ترتیب، ماهیت سکولاریستی گفتار اسلام‌گرایی در ترکیه و ارائه مدل غربی توسعه به جای مدل بومی توسعه، ملت‌های منطقه را در انتخاب الگوی اسلام‌گرایی برای کشور خود دچار تردید کرده است.

گفتار اسلام سلفی، با اعلان برخی شعارها چون: جهاد با کفار و دفاع از ملل مظلوم منطقه، هر چند توانسته است در میان بخش‌هایی از اقشار ملل مسلمان از نفوذ قابل توجهی برخوردار شود، اما به دلیل ویژگی‌ها و خصوصیات ارتجاعی و واپس‌گرایانه، تفسیر افراطی از دین و ترویج خشونت، ترور، تکفیر و رد سایر گروه‌ها و ایجاد تفرقه و اختلاف در میان ملت‌های مسلمان منطقه، نتوانسته در میان اکثریت اقشار کشورهای اسلامی که به دنبال تغییر و تحول در جوامع خودند، از جایگاه و موقعیت قابل توجهی برخوردار شود. گفتار اسلام سلفی به دلیل نفی عقلانیت، برای جوامعی که از عقب‌ماندگی رنج می‌برند و خواستار توسعه و پیشرفت جوامع خود می‌باشند، نمی‌تواند الگوی مناسبی تلقی شود.

اسلام سلفی به مثابه یک گفتار، با موضع رادیکال خود در مقابل گفتار سکولار غرب، در صدد غیریت‌سازی در سطحی فراتر از منطقه خاورمیانه است. این گفتار به دلیل به چالش کشیدن نظم بین‌المللی غرب و ارجاع به دال اسلامی - هویتی خود، تا حد زیادی موجب نگرانی غرب شده است. بدین علت، دنیای غرب تلاش می‌کند تا موازنه میان گفتارهای موجود در خاورمیانه به شکلی تنظیم شود تا گفتارهای مخالف سکولاریسم نتوانند معادله قدرت در منطقه را به نفع خود تغییر دهند.

بدین ترتیب؛ اسلام سلفی نوعی گفتار رادیکال یا منظومه معنایی متشکل از مجموعه‌ای از نشانه‌های به هم پیوسته است که در کنار هم، از یک طرف در برابر گفتار سکولار مدرن و لیبرالیسم غربی صف‌آرایی کرده و از سوی دیگر، در برابر گفتارهای اسلام‌گرا در خاورمیانه به منظور تسخیر فضای گفتار منطقه وارد رقابت شده است. هدف نهایی این گفتار، بازسازی جامعه بر اساس اصول و احکام شرعی اسلام است و در این راه، به دست آوردن قدرت سیاسی، امری تبعی تلقی می‌شود. این گفتار با نفی جنبه‌های سکولار تمدن غربی، مشکلات جوامع معاصر را به دوری از دین و احکام شریعت نسبت داده است و راه‌هایی از این مشکلات را، بازگشت به سلف صالح می‌داند. با توجه به دال مرکزی این گفتار، همواره تعارض و منازعه میان این گفتار و سایر گفتارهای اسلام‌گرا در منطقه خاورمیانه وجود داشته است؛ امری که می‌تواند معادله قدرت در خاورمیانه را تحت تأثیر قرار دهد.

منابع

- ارس، بولنت و عمر کاها(۱۳۸۱). «جنبش اسلام لیبرالی در ترکیه». ترجمه اسدالله اطهری. مطالعات خاورمیانه، سال نهم، ش ۴.
- اسماعیلی، حمیدرضا(۱۳۸۶). «بازشناسی اندیشه سیاسی القاعده». مطالعات منطقه‌ای جهان اسلام، سال هشتم، ش ۳۱-۳۰.
- الرضوی، السید مرتضی(بی تا). ماضی الوهابیین و حاضرهم. بیروت: الارشاد للطباعة و النشر.
- السقاف، حسن بن علی(۲۰۰۹). السلفیه الوهابیه؛ افکارها الاساسیه و جذورها التاريخیه. بیروت: دارالمیزان.
- السید، طارق عبدالجلیل(۲۰۰۱). الحركات الاسلامیه فی ترکیا المعاصره. القاہرہ: دراسه فی الفكر و الممارسه.
- الگار، حامد(۱۳۸۷). وهاپیگری. ترجمه احمد نمایی. مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی.
- النجدی، سلیمان بن عبدالوهاب(۱۹۷۹). الصواعق الالهیه فی الرد علی الوهابیه. استانبول: مکتبه ایشیق.
- امام خمینی، روح‌الله(۱۳۷۱). صحیفه نور. تهران: مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
- بهروز لک، غلامرضا(۱۳۸۶). جهانی شدن و اسلام سیاسی در ایران. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- پورفرد، مسعود(۱۳۸۶). «جهان اسلام و رادیکالیزم اسلامی». پگاه حوزه، ش ۲۰۴.
- حسینی زاده، محمدعلی(۱۳۸۶). اسلام سیاسی در ایران. قم: دانشگاه مفید.
- حلبی، علی اصغر(۱۳۷۱). تاریخ نهضت‌های دینی - سیاسی معاصر. تهران: بهبهانی، چ دوم.
- رضوانی، علی اصغر(۱۳۹۰). وهاپیان تکفیری. تهران: مشعر.
- زارع، محمدرضا(۱۳۸۷). علل رشد اسلام‌گرایی در ترکیه. تهران: مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور.
- سعید، بابی(۱۳۷۹). هراس بنیادین: اروپامداری و ظهور اسلام‌گرایی. ترجمه غلامرضا جمشیدی‌ها و موسی عنبری. تهران: دانشگاه تهران.
- عبیدالجمعی، سعید علی(۲۰۰۸). «تنظیم القاعده: النشاه الفکریه... الامتداد». القدس العربی، السنه التاسعه عشره، العدد: ۵۸۱۸، الاثنین.
- عماره، محمد(۲۰۰۸). السلف و السلفیه. القاہرہ: وزاره الاوقاف.
- فقیهی، علی اصغر(۱۳۵۲). وهاپیان. تهران: کتابفروشی صبا.
- فیرحی، داود(۱۳۸۹). قدرت، دانش و مشروعیت در اسلام. تهران: نی.
- کمجیان، هرایرد(۱۳۶۶). جنبش‌های اسلامی در جهان عرب. ترجمه حمید احمدی. تهران: کیهان.
- موثقی، احمد(۱۳۷۴). جنبش‌های اسلامی معاصر، تهران: سمت.
- نورالدین، محمد(۱۳۸۳). ترکیه جمهوری سرگردان؛ بررسی روابط دینداران و سکولارها در جامعه ترکیه. تهران: مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه.
- یاووز، م.هاکان(۱۳۸۹). سکولاریسم و دموکراسی اسلامی در ترکیه. ترجمه احمد عزیزی. تهران: نی.
- Mardin, Serif (2000). "Turkish Islamic Exceptionalism Yesterday and Today". Journal of International Affairs, Vol. 54; No. 1.
- Sayari, Sabri (1996). "Turkey's Islamist Challenge". Middle East Quarterly, Vol: 3, No. 3.
- Secim Beyanamesi (2011). 12 Haziran: 16.

